

از معدود کتاب‌هایی که دیده و خوانده‌ام و به پژوهشگرش غبطه خورده‌ام، یکی همین کتاب است. چرا که برای تدوین چنین کتابی، ناگزیر می‌بایست هزاران هزار دست‌نوشته‌ی زیبا و چشم‌نواز را دید و بررسی کرد. چون این آثار در موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های داخل و خارج از ایران پخش است، در نتیجه گردآوری و پژوهش، بسی دشوارتر می‌گردد و به جز مشکلات پژوهش، صدها مانع و سد دیگر بر سر راه سبز می‌شود. از مقدمه‌ای که استاد مهدی بیانی به سال ۱۳۴۴ ش. بر مجلد اول نوشته، روشن است که گستردگی و حجم پژوهش، بسی بیش از اثری است که اکنون چاپ شده و در دسترس ماست. بخشی از این اثر ارزشمند که چاپ را به زیور خود آراسته،

درب‌گیرنده‌ی شرح حال و آثار ۱۵۲۶ خوشنویس نستعلیق و ۷۵۹ خوشنویس نسخ، ثلث و رقاع است و سپس احوال ۸۹ هنرمند شکسته‌ی نستعلیق و ۶۷ تعلیق نویسنده بررسی می‌شود. در نتیجه کتاب مشتمل بر شرح حال بیش از دو هزار هنرمند دوره‌ی اسلامی است. می‌گویم و از عهده برون می‌آیم که به‌رغم مدعیانی که عیب جویانند، کتابی با این گستردگی، ویژگی و دقت نظر، در تمام دوره‌های تاریخی ایران بی‌نظیر است و چه بسا کم‌نظیر خواهد ماند؛ زیرا چنان‌چه در آینده نیز قرار بر پژوهشی مشابه و چنین گسترده باشد، بی‌شک به شکل گروهی انجام خواهد شد و از توان یک تن بیرون است.

همان‌گونه که بسیاری از حدس‌های شادروان علی‌اکبر دهخدا، با پژوهش‌ها و تصحیح دوباره‌ی متن‌های ادبی، تأیید می‌شود، با گذشت زمان، سترگی تلاش استاد بیانی نیز جلوه‌ی بیشتری خواهد یافت. هر چند مرگ زود هنگام پژوهشگر، امکان کمال بخشیدن به این اثر را به آن گونه که می‌خواست - نداد، اما هیچ پژوهش جدی را سراغ ندارم که بی‌مدد این کتاب گرانسنگ، به سر منزل مقصود رسیده باشد. شاید نخستین اشکال وارد بر اثر این باشد که چرا، آثار هنرمندان یاد شده - چنانکه باید - در کتاب به چشم نمی‌خورد و البته این مهم با توجه به امکانات چهل تا پنجاه سال پیش از این، پذیرفتنی است. البته با قیاس حجم و گستردگی چنین اثری، حتی اگر ده‌ها خرده هم بر آن بتوان گرفت، باز هم بسیار ناچیز و اغماض کردنی است. در اینجا مناسب است که به همت پژوهشگرانی که پس از درگذشت دکتر بیانی به تنظیم و چاپ بخشی از این اثر همت گماشتند، درود فرستاد: شادروان حسین محبوبی اردکانی، شادروان محمد تقی دانش پژوه، استاد ایرج افشار و آقای کریم اصفهانیان.

از سال‌هایی که با کتاب آشنا شده‌ام، به رسم دیرین و عادت پیشین، نکاتی را که به خاطر می‌رسید در حاشیه‌ی کتاب یا ورق‌ی یادداشت می‌کردم تا از آفت نسیان به سلامت باشد. از حاشیه‌هایی که بر کتاب احوال و آثار خوشنویسان نوشته‌ام، چندی را برگزیده‌ام و برای مزید آگاهی علاقه‌مندان و ادای دین به این پژوهشگر خطه‌ی خط، یادآوری می‌کنم. (هر مورد با آوردن شماره‌ی مجلد، شماره‌ی ردیف خوشنویس و نیز شماره‌ی صفحه‌ی کتاب همراه است.)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

نقدی بر احوال و آثار خوشنویسان

حمیدرضا قلیچ‌خانی



احوال و آثار خوشنویسان (جلد ۴)

مهدی بیانی (۱۳۴۶-۱۲۸۵ ش)

انتشارات علمی، تهران

ژورنال علمی-ادبی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



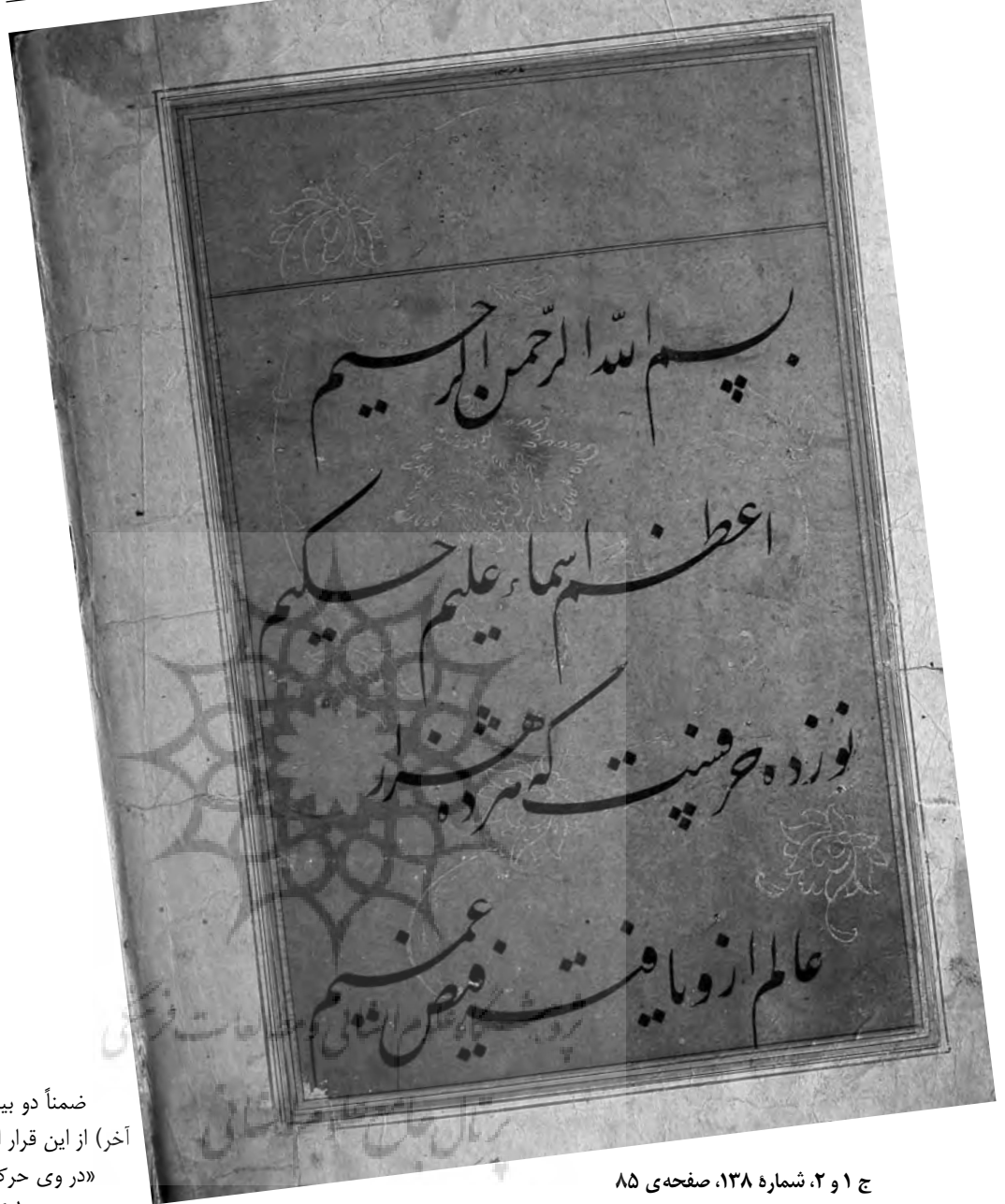
ج ۱ و ۲، شماره ۴۱۰، صفحه ۲۹۵
 شاه محمود نیشابوری: دکتر
 بیانی در ضمن برشمردن دهها
 کتاب و قطعه، به یکی از ارزندهترین آثار وی اشاره نکرده
 است. این اثر، نسخه‌ای است از قرآن کریم که به خط نستعلیق در سال
 ۹۴۵ ق. نوشته شده است. اندازه‌ی اصلی اثر ۲۶/۷cm × ۳۷/۵ است و
 در موزه‌ی توپ قاپوی استانبول نگهداری می‌شود. ظاهراً این نسخه،
 نخستین قرآن به خط نستعلیق است.

زیبا) در برابر دید و دسترس همگان نصب شده است. متن کتیبه شامل
 چهار مصرع است که سروده‌ی خود حسن شاملوست.

«دهد تا ساقی عرفان دلت را جام هشیاری
 درآ در بزمگاه خواجه عبدالله انصاری
 بود لوح مزارش نازنین سروی که از شوخی
 ملایک را چو قمری کرده گرم ناله و زاری»

ضمناً در وسط و کنار چهار مصرع، این عبارت‌ها دیده می‌شود:
 «هوالعزیز - لراقمه حسن بن حسین شاملو - هزار و چهل و نه - عمل
 محمدعلی [سنگتراش]»

ج ۱ و ۲، شماره ۶۵۱، صفحه ۴۵۵
 علی بن خوشمردان: یادآور می‌شوم که دوست پژوهشگرم آقای
 احسان‌الله شکراللهی طالقانی در سال ۱۳۸۱ رساله‌ی منثور از وی با نام
 «تعلیم الخطوط» را برای نخستین بار شناسایی و در شماره‌ی ششم نامه‌ی
 بهارستان (مجله‌ی مطالعات و تحقیقات نسخه‌های خطی - کتابخانه،
 موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) منتشر کرده است. این
 رساله‌ی مفید پیش از سال ۹۲۶ ق. تحریر گردیده است.



ضمناً دو بیت جا افتاده‌ی آن (پیش از بیت آخر) از این قرار است:
 «در وی حرکات همزه پیدا
 لیکن به طریق رمز و ایما
 زان گونه که گر شود نگوینسار
 گردد به همان صفت نمودار»

ج ۱ و ۲، شماره‌ی ۲۲۹، صفحه‌ی ۱۴۲

حسن شاملو: دکتر بیانی اشاره‌ای به کتیبه‌نویسی وی نکرده است. در سفر به هرات (نوروز ۱۳۸۳) ده‌ها سنگ مزار و کتیبه‌ی سنگی به خط نستعلیق عالی و ممتاز، از وی دیده‌ام که از همه چشمگیرتر، کتیبه‌ای است که خط آن برجسته است و زمینه‌ی گود را رنگ سبز زده‌اند و در کنار نرده‌های چوبی مزار خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶ - ۴۸۱ ق) موجود است. ظاهراً این کتیبه پیش از این در محل دیگری بوده است، چون بسیار سالم است و اکنون بر روی کتیبه‌ای سنگی (به خط کوفی تزیینی مُعَقَّد بسیار

ج ۱ و ۲، شماره ۱۳۸، صفحه‌ی ۸۵

بابا شاه اصفهانی: دکتر بیانی از قول تذکره‌نویسانی چون: میرزا سنگلاخ، میرزا حبیب و کلمان هوار، اشاره کرده که سه بیت زیر از منظومه‌ای در آداب خوشنویسی و سروده‌ی بابا شاه اصفهانی است:
 «از واضح خط نسخ تعلیق

بشنو سخنی ز روی تحقیق

بالای الف سه نقطه باید

اما به همان قلم که آید

یک نقطه بس است گردن با

شش نقطه درازی تن با»

یادآور می‌شوم که این سه بیت از منظومه‌ای به نام «آداب الخط» و سروده‌ی مجنون رفیقی هروی است. (ر. ک. رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، صفحه: ۱۷۵)



بخشی از
رساله
«خط و سواد»
مجنون را با نام
«مداد الخطوط»
به میرعلی
هروی منسوب
کرده‌اند

سید مجدالدین ابی‌طالب به این قرار است:

«شهر پر فتنه و پر مشغله و پرغوغاست
سید و صدر جهان بار ندادست کجاست
دیر شد دیر که خورشید فلک روی نمود
چیست امروز که خورشید جهان ناپیداست»

(دیوان انوری ابیوردی، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، ج ۱،
صفحه ۶۴)

«عمری از مشق دو تا بود قدم همچون چنگ
تا که خط من بیچاره بدین قانون شد...
این بلا بر سرم از حسن خط آمد امروز
وه که خط سلسله پای من مجنون شد.»

سوم این که هر دو ظاهراً در سال ۹۵۱ ق. از دنیا رفته‌اند. نکته‌ی
دیگر این که بخشی از رساله «خط و سواد» مجنون را با نام «مداد
الخطوط» به میرعلی هروی منسوب کرده‌اند.
همچنین در تکمیل احوال مجنون قابل ذکر است که از وی سه رساله
باقی مانده است:

۱- رساله‌ی «رسم الخط» که در سال ۹۰۹ ق. سروده شده و حدود
چهار صد بیت است. با این مطلع:

ج ۳ و ۴، شماره ۸۲۶، صفحه ۶۱۱

مجنون: دکتر بیانی در صفحه ۶۱۲ یادآور شده است: «متأخرین او را
با میرعلی هروی، خلط کرده و نام او را علی دانسته‌اند.» یادآوری می‌کنم
که این اشکال احتمالاً ناشی از سه نکته بوده است: نخست این که هر
دو هروی‌اند. دیگر این که میرعلی هروی در سروده‌ی زیر، خود را مجنون
نامیده است:



ج ۱ و ۲، شماره ۶۹۵، صفحه ۴۸۵
 علی منظوری حقیقی: در صفحه ۴۸۸ آمده
 است که: «از جمله شاگردان متعدد منظوری، یکی
 فرزند برومند وی هنرمند معاصر، عباس منظوری
 است...»
 باید اضافه کنم که عباس منظوری در سال ۱۳۰۰ ش.

به دنیا آمده و در دی ماه ۱۳۸۲ ش. به دیار باقی شتافت
 و در بخش فم شهر تفرش به خاک سپرده شد. استاد دیگری که از این
 خاندان است، اویس وفسی است که نوهی دختری علی منظوری
 (خواهرزاده‌ی عباس منظوری) است و در سال ۱۳۱۱ ش. در تهران دیده
 به جهان گشوده و هم‌اکنون شیخ الشیوخ خوشنویسان است. وی از
 شاگردان استاد سید حسن میرخانی بوده و به جهت درویشی، سال‌هاست
 که کنج عزلت گزیده و به جز دو مجلد «تجلی‌گاه خط» که آثار خود اوست،
 (ناشر: فرهنگسرای یساولی)، مجموعه‌ی شخصی خود را نیز با نام مرقع
 زرین (ناشر: اطلاعات) منتشر کرده است.

یادآور شده است که: «این مسجد... هنوز در اصفهان باقی و نشانی
 آرامگاه میر را در آنجا می‌دهند.»
 اضافه می‌کنم که در سال‌های اخیر چند بار به زیارت مزار مفتخر
 شده‌ام و محل آن در ضلع شمال شرقی میدان نقش جهان و در کوچه‌ی
 تکیه‌ی ذوالعماد (که در تلفظ عامه به ظلمات بدل شده) است. و بدبختانه
 تاکنون سنگ مزاری برای این یگانه‌ی خطه‌ی خطا، تهیه و نصب نشده
 است.

نکته‌ی دیگر مربوط به مرثیه‌ای است که بنا به نظر وی و بسیاری
 از تذکره‌نویسان، سروده‌ی ابوتراب اصفهانی است. این قصیده بنا به
 یادآوری آقای محمدعلی سلطانی، سروده‌ی انوری ابیوردی (وفات حدود
 ۵۸۵ ق) است. این قصیده ۳۹ بیت دارد و ابوتراب، تنها یازده بیت آن را
 برگزیده و بدون نام شاعر نقل کرده است. دو بیت آغاز قصیده در مرثیت

ج ۱ و ۲، شماره ۷۰۹، صفحه ۵۱۸
 میرعماد حسینی: دکتر بیانی در اشاره به مزار میرعماد (در صفحه ۵۲۷)



«بیا ای خامه انشای رقم کن»

به نام کتاب لوح و قلم کن»

۲- رساله‌ی «خط و سواد» که پس از سال ۹۴۰ ق. به نثر نوشته شده است. با این آغاز: «حمد و سپاس استادی را که کتاب لوح و قلم بیچون و حافظ نون و القلم و مایسترون... چون کاتب مکتوب حقیقی مجنون بن محمود الرفیقی...»

۳- رساله «آداب الخط» است که سام میرزا صفوی در تذکره‌ی خود به آن اشاره می‌کند: «رساله نظمی به اسم من در بحر لیلی و مجنون بسته...» با این مطلع:

«ای کاتب هر صحیفه راز

لوح قلم تو خامه پرداز»

باید یادآوری کنم که اطلاعات بسیار ارزنده و مفیدی در هر سه رساله‌ی مجنون هروی به چشم می‌خورد.

ج ۳ و ۴، شماره ۱۰۸۵، صفحه‌ی ۷۴۹

محمد سیمی نیشابوری: در شرح حال وی اشاره‌ای به رساله‌ی «جوهریه» نشده است. توضیح این که سیمی نیشابوری این رساله منثور را در آداب دبیری و انشاء در سال ۸۳۷ ق. تلوین کرده است. این رساله در برگزیده‌ی اطلاعات بسیاری در باب آداب منشی و رنگ‌سازی است. (ر. ک. رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، صفحه: ۲۷۱)

ج ۳ و ۴ - شماره ۱۳۴۵ - صفحه ۸۹۸

مرتضی برغانی: باید افزود که وی از شاگردان محمدرضا کلهر بوده و در هنگام وفات استاد (۱۳۱۰ ق) بیش از سی سال داشته است. از جمله‌ی شاگردان و رهروان طریق وی، دو فرزند هنرمندش، سید حسین میرخانی (تولد ۱۲۸۴ ش) و سید حسن میرخانی (تولد ۱۲۹۱ ش) را می‌توان نام برد. مرتضی برغانی در سال ۱۳۰۸ ش. بدرود زندگی گفته و در شهر ری مدفون است.

مجموعه عکاسی دیجیتال

نوشته‌ی گروهی از محققان کدک



ترجمه رضا نبوی

مجموعه‌ی عکاسی دیجیتال

ترجمه رضا نبوی

نشر بیکان

مجموعه‌ی حاضر متشکل از سه کتاب مختلف است. جلد اول به درس‌هایی از عکاسی دیجیتال، جلد دوم به تکنولوژی عکاسی دیجیتال و جلد سوم مرجع عکاسی دیجیتال است. هر سه کتاب از انتشارات کدک و توسط گروهی از متخصصان این شرکت نوشته شده است.

جلد اول به طور کلی راهنمایی است جامع برای فراگیری عکاسی دیجیتال برای فردی که با عکاسی سنتی آشنایی دارد. در فصول مختلف این جلد، ابتدا با تصویر دیجیتال، ثبت پردازش و چگونگی نگهداری آن، و اینکه چگونه بر یک ابزار خروجی شکل می‌گیرد آشنا می‌شویم. سپس رنگ و ساختار آن و چگونگی ثبت، چاپ و کنترل کیفیت آن، کار بر روی تصویر دیجیتال، و مطابقت تصاویر بر صفحه نمایش مورد توجه قرار می‌گیرد و سرانجام به انواع چاپگرهای دیجیتال جهت چاپ تصاویر دیجیتال اشاره می‌شود. در جلد دوم مباحثی چون درون دوربین دیجیتال و ساختار انواع چاپگرهای دیجیتال، مقایسه‌ی تصاویر سنتی و دیجیتال مطرح و همچنین فصلی جامع به انواع قالب‌بندی‌های فایل تصویری اختصاص داده شده و محاسن و معایب هر یک بررسی می‌شود. در پایان این جلد نیز به کارت‌های ذخیره‌سازی تصویر و انواع آن پرداخته می‌شود.

در جلد سوم نیز در یک فصل به پرسش‌هایی که اغلب برای کاربر پیش می‌آید اعم از ثبت، پردازش، ذخیره‌سازی، اشتراک و غیره پاسخ داده می‌شود. فصل بعدی به واژه نامه عکاسی دیجیتال اختصاص یافته است.

در مقدمه کتاب اشاره می‌شود که بسیاری از لغات و اصطلاحات به علت عدم وجود اصطلاحات فارسی فرهنگستانی به شکل اصلی آن یعنی انگلیسی فراهم شده است. این مطلب ممکن است برای عده‌ای خسته‌کننده باشد، از این رو خوانندگان می‌توانند مطالب انگلیسی داخل پرانتز را نادیده بگیرند. از طرفی وجود عبارت‌های انگلیسی داخل پرانتز برای دانشجویان و محققان بسیار مفید خواهد بود.

لازم به ذکر است جلد اول این مجموعه که تخصصی‌تر نیز می‌باشد، در حال حاضر در دانشکده فنی کدک راجیستر تدریس می‌شود. این مجموعه برای دانشجویان و علاقه‌مندان عکاسی، گرافیک و سینما بسیار سودمند خواهد بود.